

Peaceful coexistence of Abrahamic religions in the illustrations of the manuscript of the Jame al-Tawarikh of the Ilkhanid era

Fatemeh Shirazi¹  | Ali piri²  | Sahel Erfanmanesh³ 

1. Corresponding Author, the coach, Faculty of Handicrafts Department, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: shirazi.fatemeh@arts.usb.ac.ir
2. Assistant Professor, Faculty of Handicrafts Department, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: ali.piri@arts.usb.ac.ir
3. Assistant Professor, Faculty of Handicrafts Department, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: erfanr_61@arts.usb.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 12 October 2022
Received in revised form:
16 November 2022
Accepted: 29 November
2022
Published online:
4December 2022

Keywords:

Ilkhani ,
Abrahamic religions,
Nagargari,
Jame al-Tawarikh..

ABSTRACT

Among the political and cultural strategies that were used in the court of Ilkhans was their view and approach towards religion and religious minorities. Many have considered this type of Mongol government's view of religion and religious affairs as religious tolerance, which made people of different religions appear in the court of Ilkhans and reach high levels of government. Also, the Mughal rulers themselves had different religions in different periods of the Ilkhanid era or were interested in supporting a particular religion. Abrahamic religions are among the religions that became very popular in the Mongol era, and many works of art are influenced by these religions. Among the famous artistic works of the Ilkhanid era, there is a manuscript of Rashid al-Din Fazlullah Hamdani's comprehensive chronicles, which was written and illustrated during his ministry. This version is a historical book and contains the history of myths, beliefs and culture of Turko-Mongol tribes and other tribes and religions. In this research, an attempt is made to study the conditions and the presence of Abrahamic religions in the Ilkhanid era and to find its representation in the illustrations of the comprehensive edition of al-Tawarikh Rashid al-Din. And let's answer this question, why we see the peaceful coexistence of images of the religions of Islam, Christianity and Judaism in the images of Jame Al-Tawarikh Rashiduddin. This research is done in an analytical-descriptive way and the data analysis will be qualitative. The results are indicative of this: due to the tolerance and religious tolerance that was present in the era of the Ilkhans, in the compilation and writing of the comprehensive version of al-Tawarikh, we see the presence of pictures with Jewish, Christian and Islamic themes (Abrahamic religions) side by side.

Cite this article: Shirazi, F, Piri, A. & Erfanmanesh, S. (2022). Peaceful coexistence of Abrahamic religions in the illustrations of the manuscript of the Jame al-Tawarikh of the Ilkhanid era. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 6 (2), 223-244 DOI: 10.22111/jrm.2023.44749.1111



همزیستی مسالمت آمیز ادیان ابراهیمی در نگاره های نسخه خطی جامع التواریخ عصر ایلخانی

فاطمه شیرازی^۱ | علی پیری^۲ | ساحل عرفان منش^۳

۱. نویسنده مسئول، مربی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه:

shirazi.fateme@arts.usb.ac.ir

۲. استادیار، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: ali.piri@arts.usb.ac.ir

۳. استادیار، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: erfanr_61@arts.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۰</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۸/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۱۳</p> <p>واژه‌های کلیدی: ایلخانی، ادیان ابراهیمی، نگارگری، جامع التواریخ</p>	<p>از جمله راهبردهای سیاسی فرهنگی که در دربار ایلخانان به کار گرفته شد همانا نوع نگاه و رویکرد آنها نسبت به دین و اقلیت های دینی بود. بسیاری این نوع نگاه حکومتی مغولان به دین و امور مذهبی را تسامح و تساهل مذهبی دانسته اند که باعث گردید تا در دربار ایلخانان افرادی با مذاهب مختلف حضور یافته و به مدارج بالای حکومتی برسند. همچنین حاکمان مغول خود نیز، در ادوار مختلف عصر ایلخانی دارای ادیان متفاوتی بوده اند. ادیان ابراهیمی از جمله ادیانی است که در عصر مغول رواج بسیار پیدا می کند و آثار هنری بسیاری تحت تاثیر این ادیان قرار می گیرند. از جمله آثار هنری فاخر هنری عصر ایلخانی، نسخه خطی جامع التواریخ رشید الدین فضل الله همدانی است که در زمان وزارت ایشان به رشته تحریر در آمده و مصور گشته است. این نسخه کتابی است تاریخی و در بر گیرنده تاریخ اسطوره ها، باورها و فرهنگ قبایل ترک-مغول و سایر اقوام و ادیان است. در این پژوهش سعی بر آن است تا چگونگی شرایط و حضور ادیان ابراهیمی در عصر ایلخانی را مورد مطالعه قرار داده و باز نمود آن را در نگاره های نسخه جامع التواریخ رشید الدین بیابیم. و به این سوالات پاسخ گوئیم که ۱- چرا در تصاویر جامع التواریخ رشیدالدین شاهد همزیستی مسالمت آمیز نگاره هایی از ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت هستیم؟ ۲- ویژگی های بصری نگاره های مرتبط با هر یک از ادیان ابراهیمی کدام است؟ این پژوهش به شیوه تحلیلی-توصیفی صورت می پذیرد و تجزیه تحلیل داده ها در آن به صورت کیفی خواهد بود. نتایج حاصل گویای این امر است: به دلیل تسامح و تساهل مذهبی که در عصر ایلخانان حضور می یابد، در تالیف و کتابت نسخه جامع التواریخ نیز شاهد حضور نگاره هایی با مضامین یهودی، مسیحی و اسلامی (ادیان ابراهیمی) در کنار همدیگر هستیم.</p>

استناد: شیرازی، فاطمه؛ پیری، علی؛ و عرفان منش، ساحل (۱۴۰۱). همزیستی مسالمت آمیز ادیان ابراهیمی در نگاره های نسخه خطی جامع التواریخ

DOI: 10.22111/jrm.2023.44749.1111

عصر ایلخانی. مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی، ۶ (۲)، ۲۲۳-۲۴۴.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

قوم مغول با یورش به ایران هر آنچه را که در برابر خود می‌دید نابود کرد و با جنگ و خونریزی‌های فراوان توانست سیطرهٔ امپراتوری بزرگ خود را در سراسر ایران و سرزمین‌های بین‌النهرین گسترش دهد. کوتاه شدن دست مسلمانان از قدرت سیاسی و روی کار آمدن دولتی غیر مسلمان، زمینه‌ی رونق سایر ادیان، مانند بودایی، مسیحیت و یهود را، هر چند برای مدتی کوتاه، فراهم کرد. بعضی از پژوهشگران این وضعیت را که منجر به رونق ادیان، خصوصاً مسیحیت، در سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران شد، ناشی از تسامح مذهبی مغولان دانسته و آن را ستوده‌اند. (مورگان ۵۲). میتوان گفت، قرار گیری قدرت سیاسی در دست مغولان، تحولات عمیقی را در شرایط دینی و مذهبی بوجود آورد. در این دوره، برخلاف کثرت افراد مسلمان در جامعه و همچنین افزونی بدون تردید آنها نسبت به سایر اقلیتها و ادیان، آیین بودا در میان مغولان چنان رواج یافت که آیین شمنیزم، دین آباء و اجدادی آنها، را تحت الشعاع قرار داد و مسیحیت و یهودیان نفوذ فراوانی را به دست آوردند (اشپولر، ۱۳۸۵). با توجه به وجود تمامی نابسامانی‌های سیاسی که بعد از حضور مغولان در ایران بوجود آمد، احداث چندین کارگاه-کتابخانهٔ سلطنتی باعث گردید تا مجموعهٔ با شکوهی از کتب، از سراسر امپراتوری ایلخانی گرد آوری شود و تعداد زیادی از هنرمندان زیر یک سقف و به صورت گروهی به کار استنساخ مصحف پردازند و ایجاد این شبکهٔ منسجم در کار تولید مصحف شیوه‌های منحصر به فردی را در یک دورهٔ زمانی کوتاه در ایران به وجود آورد. توجه و علاقه ایلخانان و بازماندگان آن‌ها به زندگی صحراگردی باعث شکوفایی فرهنگ درباری در تقابل با فرهنگ سنتی شهر نشینی شد. دربارها به تدریج مرکزی برای تولید و مصرف اجناس و کالاهای تجملی از جمله نسخه‌های نفیس و مجلل گردید. در این دربارها بود که بهره‌یابی از هنرها وسیله‌ای برای تفاخر و مباهات سلسله‌ای و خانوادگی و تباری گردید. این گرایش در تولید آثار نفیس هنری تأثیری قاطع داشت. از جمله این هنرها هنر کتاب‌آرایی بود که تولید آن‌ها انعکاس‌دهنده اقدامات و دستاوردهای خانان مغول و همچنین ارزش‌ها و مفاهیم مورد علاقه آنان بود. تأثیر کتاب‌آرایی ایرانی در این دوره، از هنر کتاب‌آرایی چین که خود برگرفته از موتیف‌ها و انگاره‌های کهن در شرق آسیا بود، در کنار سبک هنری رایج در بغداد و موصل آن روزگار، که نقش‌ها و ترکیب‌بندی‌هایش از نقش‌آفرینی‌های هنر بیزانس ملهم شده بود، باعث گردید تا شیوه‌ای جذاب و ماندگار در عرصهٔ هنر کتاب‌آرایی ایرانی متولد گردد. البته این دو به مدد خلاقیت هنرمندان ایرانی و تساهل

مذهبی رایج در عصر ایلخانی، در هنر ایران حیاتی نو یافتند و در نسخه معتبری چون جامع التواریخ رشیدالدین نگاره هایی با روایات ادیان ابراهیمی در کنار یکدیگر حضور می یابند.

پیشینه:

در زمینه بررسی ادیان و یا بررسی تصاویر جامع التواریخ به صورت جدا گانه در دو حوزه مختلف تحقیقات فراوانی صورت گرفته است که در این قسمت به معرفی تعدادی از این موارد خواهیم پرداخت. در مقاله ای با عنوان «دین و مذهب در عهد ایلخانان ایران» منوچهر مرتضوی می کوشد تا تاثیر دین و مذهب را در تاریخ و سیاست قوم مغولان به نمایش بگذارد او معتقد است در این دوره تعصبات مذهبی کنار گذاشته می شود و آزادی نسبی مذاهب اسلامی محقق می گردد که این خود پی ریزی و شالوده رواج مذهب تشیع در ایران را به دنبال دارد. در این راستا دکتر علیرضا کریمی و منوچهر صمدی وند نیز در مقاله ای با عنوان «سیاست مذهبی حکومت مغولان، تسامح یا آشفتگی؟» معتقدند که سیاست های مغولان در امور مذهبی دچار آشفتگی و سردرگمی شده است و این تمایلات دینی متفاوت و گاه متضاد ایلخانان مغول در طی یک قرن حکومت در ایران به سبب بی اعتقادی به هر گونه باور دینی بوده و تحت تاثیر عوامل خارجی و محیطی تغییر کرده است و این امر به شدت بر شرایط مسلمانان و شیعیان تاثیر گذار بوده است. در زمینه بررسی تصاویر نسخ عصر ایلخانی نیز پورمیزاب، محمد زاده و اسد الهی تجرق در مقاله ای با عنوان «مطالعه ارتباط اساطیر ترکی-مغولی با نقش درخت نگاره های شاهنامه دموت و جامع التواریخ (با رویکرد نشانه شناسی فرهنگی)» به مطالعه نگاره های نسخ مذکور پرداخته اند و نشانه های مرتبط با درخت را مورد مطالعه قرار داده اند و مشخص می گردد که این نماد در بر دارنده مفاهیم اساطیری ترکی-مغولی از قبیل مادر بودن، سلطنت، گذرگاه بودن برای ورود به عالم دیگر و است. در هیچ یک از این پژوهش ها، مقوله ادیان در نگاره ها به صورت همزمان مورد بررسی قرار نگرفته است و از آنجا که نسخه خطی جامع التواریخ هم از منظر تاریخ و هم از منظر تصاویر در بر دارنده مطالبی در حوزه ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) است، بررسی چگونگی مذاهب و ادیان در این عصر و همچنین بازنمایی آنها در نسخه مذکور امری ضروری به نظر می رسد.

روش تحقیق:

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی صورت می گیرد و گردآوری داده ها فیش برداری از منابع کتابخانه ای است. تجزیه و تحلیل داده ها نیز به روش کیفی انجام خواهد گرفت. در این تحقیق ۱۱ تصویر از نگاره های نسخه جامع التواریخ هدف تحقیق خواهند بود و بر اساس تجلی ادیان ابراهیمی در آنها به صورت توصیفی، تحلیل خواهند گشت.

حکومت مغولان:

همانطور که می دانیم، اقوام مغول مانند طوفان سهمگینی بر سر ایران فرود آمدند و هر آنچه را که در مقابل خود دیدند نابود کردند. مغولان توانستند با جنگ و خونریزی های بسیار امپراتوری بزرگ خود را در سر تا سر ایران و بین النهرین گسترش دهند. ویرانی های ناشی از هجوم قوم مغول در سال ۶۱۷ ه از خراسان تازی و ماوراءالنهر را ویران ساخت. اما، شروع حکومت ایلخانان مغول را باید با فتح بغداد از ۶۵۶ ه. ق مصادف دانست، درست زمانی که "هلاکوخان" شهر مراغه را به عنوان پایتخت حکومتش برگزید. پس از او فرزندش "آباقاخان زمام امور را در دست گرفت و" احمد نغودار، ارغون، گیخاتو و غازان خان "در ادامه به ترتیب حکومت کردند و امپراتوری مغولان تا سال ۷۳۶ ه. ق. دوام یافت. (سود آور، ۱۳۸۰، ص. ۳۱).

غازان خان که حاکم خراسان بود، در چهارم شعبان ۶۹۴ ه. ق در منطقه لار دماوند رسماً اسلام آورد و حکومت ایلخانان در این دوران وارد مرحله جدیدی شد. پس از مرگ غازان خان، برادرش سلطان محمد خدابنده (الجایتو) در تبریز به حکومت رسید. او که یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین چهره های سیاسی در تاریخ ایران به شمار می آید، با حمایت از هنرهای همچون معماری، سفالگری، فلزکاری و کتاب آرایی، مکتبی نو در هنر ایران زمین را پایه ریزی کرد (معتقدی، ۱۳۹۳، ص. ۳۷). پس از اولجایتو، در دوران حکومت ابوسعید، سرکشی های اشراف فتودال مغولان و گروه بند یها و تحریکات دربار از یک سو و نیروی شیوخ متصوفه و فرقه تشیع و گروه بندیهای دسته جات و اصناف از سوی دیگر، باعث شد تا استیلای طولانی مغولان بر ایران رو به اتمام گذارد. مرگ ابوسعید که جانشینی از خود بر جای گذاشت، بر آشفتگی ها دامن زد و رقابت ها بر سر مسایل جانشینی در گرفت (بیانی، ۱۳۸۱، ص. ۳۶).

با وجود تمامی نابسامانی‌های سیاسی که پس از مرگ اولجایتو بوجود آمد، تأسیس و احداث چندین کارگاه-کتابخانه سلطنتی (در ربع رشیدی و بعد ها در سلطانیه) موجب گردید تا مجموعه بزرگی از کتب، از سرتاسر امپراتوری ایلخانان (از خراسان گرفته تا بغداد) گرد هم آیند و تعداد زیادی از هنرمندان به صورت گروهی و زیر یک سقف به کار استنساخ مصحف پردازند. بوجود آمدن شبکه ای منسجم در کار تولید مصحف، شیوه های منحصر به فردی را در یک دوره زمانی کوتاه در سرزمین ایران به وجود آورد. اولین کتابخانه این عصر "کتابخانه مراغه" بود که با کوشش و تلاش خواجه نصیرالدین طوسی شکل گرفت. سپس "دارالکتب غازانیه" در مجتمع شنب غازانیه در تبریز و دیگری "دارالکتب ربع رشیدی" در شمال شرقی تبریز بود که از سوی رشید الدین فضل الله اداره می گردید. کار نگارش و کتابت کتاب جامع التواریخ نیز در همانجا آغاز شد، اما در نهایت تمامی کتب نفیس عصر ایلخانی در سلطانیه جمع گردیدند. نکته ای که باعث شد تا مقوله هنر کتاب آرایبی در این عصر از تحولی پویا و پیوسته برخوردار باشد، همانا تلفیق و تعامل دو سبک چینی به دلیل حضور هنرمندان چینی که قبلا در دربار سلسله سونگ می زیسته اند و مکتب بغداد (بازمانده های هنر دربار خلفای عباسی) بود. تأثیرات کتاب آرایبی ایرانی در عصر ایلخانان، از هنر کتاب آرایبی چین که خود نیز برگرفته از انگاره ها و موتیف های کهن در شرق آسیا بود، در جوار سبک هنری رایج در موصل و بغداد آن روزگار، که ترکیب بندی ها و نقش هایش از نقش آفرینی های هنر بیزانس ملهم شده بود، باعث گردید تا شیوه ای ماندگار و جذاب در عرصه هنر کتاب آرایبی متولد گردد. گفتنی است این دو به کمک تسلسل روح ایرانی و خلاقیت هنرمندان ایرانی در این هنرها حیاتی نو یافتند. این حرکت مهم ایلخانان، که خود زمینه ساز ارتباطی درونی میان دو فرهنگ مغولی- ایرانی و ایجاد فضایی برای تبادل فناوری و دستاوردهای هنری این دو تمدن بود، تأثیر بسزایی در گسترش و جهت گیری های هنرهای مختلف داشت. در واقع هنرمندان و نگارگران ایرانی در این عصر با رجوع به هنر مانویان، موتیف و نقوش موجود در "هنر چین" را الگو و دستمایه کار خود قرار دادند و براساس بینش دینی خود آنها را متحول ساختند (معتقدی، ۱۳۹۳، ص. ۳۷).

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی و ربع رشیدی:

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی در شهر همدان ۶۴۸ قمری و در خانواده ای یهودی که حرفه و شغل اصلی آنان پزشکی بود، متولد شد و در دوره جوانی اسلام آورد (زرباب خوبی، ۱۳۵۰، ص.

۱۳۵). او نیز در حرفه پزشکی تحصیل نموده و در دوره اباقا خان در شمار پزشکان معتبر ایلخانان درآمد (منشی کرمانی، بی تا، ص. ۱۱۲). وی در ابتدای کار، علاوه بر طبابت، برخی از امور دیوانی را نیز به عهده داشت و از همان زمان به کارهای فرهنگی و علمی نیز توجه خاصی نشان داد. در دوره اباقا خان جهت سفارت و همچنین آوردن نمونه های نایاب گیاهان دارویی به ایران، رهسپار هند شد (همدانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۸). در عصر گیخانو، خواجه رشیدالدین پیشنهاد وزارت را بنا به مصلحت نپذیرفت (منشی کرمانی، بی تا، ص. ۱۱۲). غازان در سال ۶۹۷ قمری وزارت خود را به خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی و سعدالدین ساوجی واگذار کرد (دیباچ، ۱۳۶۶، ص. ۷۴). اوج ترقی و پیشرفت خواجه در همین دوره بود. زیرا علاوه بر وزارت، تولیت موقوفات غازان خان را در شب غازانیه بر عهده داشت. که خود باعث شد وی انگیزه علمی برای ساخت مرکز علمی را یافته و همچنین مأموریت تألیف کتاب جامع التواریخ را بپذیرد. ولی غازان، قبل از اتمام کتاب درگذشت و برادرش اولجایتو به حکومت رسید. با این حال، سعدالدین ساوجی و خواجه رشیدالدین همچنان وزارت اولجایتو را بر عهده داشتند. اما پس از مدتی اختلافاتی بین خواجه و سعد الدین بوجود آمد که در نهایت منجر به قتل سعدالدین ساوجی کشت (حافظ ابرو، ۱۳۱۷، ص. ۴۹). اولجایتو، خواجه تاج الدین علی شاه را به دلیل کیاست و نکته دانی، با خواجه رشیدالدین در وزارت شریک کرد و خواجه علی شاه زیر نظر خواجه رشیدالدین فضل الله به اداره مملکت مشغول بود. اما پس از مدتی میان آن دو نیز اختلاف به وجود آمد و اولجایتو برای حل اختلاف آنان، اداره ولایت ایران را بین آن دو تقسیم کرد اما اختلافات آنان همچنان ادامه داشت (کاشانی، ۱۳۴۸، ص. ۱۹۵). سرانجام خواجه رشیدالدین با توطئه خواجه علی شاه در دوره ابوسعید، به قتل رسید (سمرقندی، ۱۳۷۲، ص. ۶۳). رشیدالدین که در زمان حکومت غازان خان و اولجایتو و سالهای اولیه حکومت ابوسعید بهادرخان وزارت را بر عهده داشت، با هدف فرو کاستن و ترمیم اثرات حمله مغول، مجتمع آموزشی و علمی «ربع رشیدی» را در تبریز تأسیس کرد (مستوفی، ۱۳۶۶، ص. ۷۷). مجموعه علمی و آموزشی ربع رشیدی اوایل قرن هشتم هجری قمری در دامنه کوه ولیان و منطقه ای خوش آب و هوا در شمال شرقی تبریز ساخته شد (مستوفی، ۱۳۶۶، ص. ۷۶). مجتمع مذکور از سه قسمت تشکیل می شد: مهم ترین قسمت مجموعه، «ربع رشیدی» به عنوان مرکز آموزشی بود که ربض و شهرستان رشیدی اطراف آن قرار داشت و از چهار بخش خانقاه، روضه، دارالضیافه و دارالشفای تشکیل می شد

همدانی، ۱۳۵۰، ص. ۱۴۵). «شهرستان رشیدی» مجتمع عظیم ساختمانی، تشکیل شده از چندین محله، خیابان و کوچه و اماکن رفاهی، آموزشی و اقتصادی بود. «ریض رشیدی» نیز محله اداری و اعیان نشین کاخهای اختصاصی برای خانواده خواجه رشیدالدین و غلامان و مسئولان امنیتی بود (همدانی، ۱۳۵۰، ص. ۱۴۵). ربع رشیدی پس از قتل خواجه رشیدالدین و به دلیل تبلیغات منفی مخالفان وی به غارت رفت (خواند میر، ۱۳۵۳، ج ۱، ص. ۲۰۱).

ولی با روی کار آمدن فرزند رشیدالدین، خواجه غیاث الدین محمد، که به مقام وزارت دربار ابوسعید بهادر رسید، ربع رشیدی به فعالیتش ادامه داد، اما نتوانست به ایام درخشان گذشته باز گردد و رو به افول نهاد (کارجو اجیر لو، محمد نژاد چاوشی، ۱۳۹۹، ص. ۳۵۶). با بوجود آمدن موقعیت و فرصت مناسب، انگیزه های تجدد علمی از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به وجود آمد. این انگیزه ها حاصل تلاش دانشمندان و وزرا ایرانی و همچنین توجه و علاقه ایلخانان به دین اسلام بود و توسعه و احیاء حوزه های علمی - اسلامی، احترام و تشویق علما، رواج فوق العاده دانش و فرهنگ اسلامی را به دنبال داشت. رشیدالدین فضل الله در جهت ترمیم ویرانی ها و احیاء آموزش و پژوهش و همچنین ترویج فرهنگ و هنر، با ایجاد مراکز مختلف علمی، تلاش بسیار کرد (همدانی، ۱۳۷۹، ص. ۱۷۲). از مهمترین انگیزه های خواجه رشیدالدین، رشدشریعت و علم اسلام بود و علاقه خواجه رشیدالدین به نشر معارف و علوم، او را بر آن داشت که مجموعه بزرگ ربع رشیدی را در کنار شهر تبریز تأسیس کند که در آنجا مدرسین و محصلین علوم اقامت کنند و اوقات خود را به مذاکره و مباحثه و آموختن بگذارند. رشیدالدین، مرکز پژوهشی و آموزشی ممتازی به وجود آورد که از علوم هندی، چینی و رومی بیزانسی در آن تدریس می شد. با زبانهای مغولی، یونانی، چینی، ترکی، علاوه بر زبانهای فارسی و عربی در ربع رشیدی آشنایی وجود داشت و آوازه شهرت آن از قسطنطنیه تا پکن طنین افکنده بود. همدانی با تکیه بر این رویکرد، دست به تأسیس ربع رشیدی زد (خواند میر، ۱۳۵۳، ج ۳، ص. ۱۰۳).

مکتب نگارگری ایلخانی:

زندگی صحرا گردی مغولان و بازماندگان آنان، موجب شکوفایی فرهنگ درباری در تقابل با فرهنگ شهر نشینی شد. دربارها مرکزی جهت تولید و مصرف اجناس و کالاهای تجملی از جمله نسخ مجلل و نفیس گردید. در همین دربارها بود که استفاده از هنرها وسیله ای برای مباحثات و تفاخر تباری و

سلسله ای گردید. این گرایشات در تولید و مصرف آثار ارزنده هنری تأثیری قاطع داشت. از جمله این هنرها، هنر کتاب آرابی بود که تولید آنها اقدامات و دستاوردهای خانان ایلخانی را بازگو می کرد و همچنین ارزش ها و مفاهیم مورد توجه آنها را نیز انعکاس می داد. ایلخانان در هنرهای کتاب آرابی (تجلید، خوشنویسی، تذهیب، تصویرپردازی) وسیله ای را یافتند که بتوانند با آن مفاهیم تاریخی و ملی خود را به نگاره های مذهبی و ملی ایرانیان پیوند زنند تا بر بعد مشروعیت سیاسی خود در ایران زمین بیافزایند. حضور پر رنگ هنرمندان چینی و مغول در دربار آن ها در شکوفایی نقاشی ایرانی تأثیری بسزا داشت و عوامل تازه ای را وارد جریان اصلی نقاشی ایران کرد. شاخصه های منظره پردازی نقاشی چینی از نخستین عوامل و تاثیراتی است که در سیر تحول طبیعی نقاشی ایران نقشی قابل توجه داشت و نوید تحولات آینده را می داد. این تعامل هنری پس از ایلخانان همچنان ادامه یافت و تاثیرات شایان ذکری را به جا گذاشت (آژند ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۵۲). هنرهای ایران در عصر ایلخانان سرشار از تأثیرات مختلف هنر و تمدن شرق دور به ویژه هنر دوره (یوان و سونگ چین) بود. «در این دوران هنرمندان چینی به دعوت حکام مغول به ایران سفر می کردند و هنرمندان ایرانی نیز برای فراگیری فنون هنری به چین رفت و آمد داشتند» (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۲۲). به طور کلی دوره ایلخانان دو نتیجه مهم برای هنر و نقاشی ایران داشت: یکی انتقال سنت های هنر چینی به هنر ایران که منبع الهام جدیدی، برای نقاشان و نگارگران شد و دیگری بنیانگذاری شکل نوینی از هنرپروری، که سنت کار گروهی هنرمندان در کارگاه سلطنتی و کتابخانه را بوجود آورد. در واقع تحت حمایت مغولان بود که مصور سازی نسخ و کتاب نگاری در زمینه های تاریخی و علمی رونق گرفت (پاکباز، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

در تصاویر و نگاره های این دوره انسا نها و پوشاک ترسیم شده آنان به نژاد مغول تعلق دارند که اصولاً بر اسب های کوچک مغولی سوار هستند. هر چند که این یورشگران از تبار مغولی بودند، ولی آنچه که با خود آورده بودند چینی بود. نقش ققنوس، درنا، اژدها و... عناصر نوینی بود که به نقاشی ایرانی وارد شد. ابرهای درهم پیچیده به صورت لکه های سفید در آسمان، نمایش عمق، آب های اسفنج گونه، زدودن لطافت از کوه ها، درختان گره دار با تنه های پیچیده از جمله ویژگی های نقاشی این عصر است که در همجواری و کنار سبک سنتی که خاص نقاشی عربی بغداد بود، قرار گرفت (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). در بعضی از تصاویر، نفوذ نقاشی بیزانسی در خطوط هندسی و منظم

البسه، سربندها، پیکره ها، مناظر و پیدایش چهره های متفاوت و خاص با تجسم حالات عاطفی، دیده می شود. در نقاشی عصر ایلخانی، افراد بلند قامت با سرهای خمیده، موضوع اکثر تصاویر هستند (تجویدی، ۱۳۸۶، ص. ۹۹). در هر صورت علی رغم اثرپذیریهای گوناگون، نکته قابل توجه، تلاش نقاشان و نگارگران برای تلفیق عناصر غیر متجانس در نگاره هایشان است. می توان گفت نقاشی و نگارگری دوره ایلخانی، جُنْگی است از عناصر هنری مختلف تمدنهای ایران، چین، عربی و بیزانس. همچنین هنرمندان ایرانی در این عصر نگاره های ملل دیگر را بکار می گرفتند و سپس آنها را با نبوغ ذاتی خود در آمیخته و به آن رنگی کاملا ایرانی می دادند (شایسته فر و عبدالکریمی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸).

عصر ایلخانی یا به عبارتی دیگر مکتب تبریز، پرچمدار جنبش هنری نوین نقاشی ایرانی است. در این دوره سیاست و نقاشی ملازم هم شدند و اقتصاد نیز زیربنای تحولات آن را که همانا هنر پروری و حمایت است را پی ریزی کرد. در عصر ایلخانان زیدگان درباری به حمایت هنری می پرداختند و مغولان و وزیر، همواره عالی ترین مرجع هنر پروری به شمار می آمدند و آنان با ایجاد مراکز هنری، تداوم هنرها را مورد تاکید و پیگیری قرار می دادند. در واقع مکتب تبریز دوره ایلخانی آموزگار بزرگی بود که شاگردان متعددی را پرورش داد. ایلخانان تا آخر سلطنت خود سه تختگاه داشتند: مراغه، تبریز و سلطانیه اما بیشترین فعالیت آنان در تبریز متمرکز شده بود. از این جهت دستاوردهای مراغه و سلطانیه را نیز می توان در قلمرو فعالیت های هنر و مکتب تبریز به شمار آورد. از مکتب هنری مذکور نسخ مصور نفیسی به دست آمده است که عبارت است از: ۱. منافع الحيوان ابن بختیشوع ۲. جامع التواریخ رشیدی ۳. شاهنامه بزرگ ایلخانی (شاهنامه دموت) ۴. آثارالباقیه بیرونی ۵. تاریخ جهانگشای جوینی ۶. کلیله و دمنه (آژند) ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۱۴۱-۱۵۲).

جامع التواریخ و همزیستی سبک های هنری:

جامع التواریخ از جمله آثار فاخر و ارزشمند کهن درباره تاریخ باور ها، اسطوره ها، و فرهنگ قبایل مغول و ترک و سایر اقوام است. رشید الدین فضل الله، به درخواست غازان خان این کتاب را نوشت و با در گذشت غازان خان، آن را به اولجایتو تقدیم کرد. نوشتن و کتابت این کتاب در تاریخ ۷۰۰ هجری آغاز شده و در سال ۷۱۰ هجری به پایان یافت. رشید الدین فضل الله زمانی خاصی از روز را به نوشتن کتاب اختصاص می داده است. دولت شاه سمرقندی در این باره نوشته است: «وقت کتابت این

تاریخ از دم صبح بعد از ادای فریضه و بعضی اوراد تا طلوع آفتاب بوده، چون در اوقات دیگر فراغت به واسطه امور ملکی و اشغال دیوانی میسر نبود» (سمرقندی، ۱۳۷۲، ص. ۶۲۴). غازان خان تمامی اسناد دولتی و قدیمی را در اختیار رشید الدین گذاشت و دانشمندانی که از فرهنگ و تاریخ ترک و مغول آگاه بودند را با او همراه کرد. همه این کوشش ها باعث گردید تا یکی از شاهکارهای تاریخی جهان به رشته تحریر درآید. این کتاب تا امروزه نیز مهمترین منبع برای تاریخ اقوام است (شایسته فر و عبدالکریمی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸). در اکثر نسخ جامع التواریخ، شاهد آن هستیم که هیچ نوع تحمیلی بر توانمندیهای نگارگر صورت نگرفته است و او مضامینی را از تاریخ مذهبی اسلام و سیرت نبوی (ص)، زندگانی بودا، اتفاقات انجیل، تاریخ چین و... با اجرایی آزادانه که پیشتر سابقه نداشته است، وارد نگاره ها کرده است. جامه ها، تیپها و اسلحه پیکره ها آشکارا مغولی است و بر اساس اسلوب هاشور زنی چینی دوره تانگ تصور شده اند و پیکره های بلند قامت الگوهای بیزانس را به می آوردند، اگر چه قواعد نقاشی آب ها، ابرها، کوه ها آشکارا از نقاشی چین گرفته شده اند، ولی به طریقی کاملاً غیر چینی و همخوان با اسلوب ایرانی، برای پر کردن فضای خالی به کار رفته اند و با خط کتابت تناسب دارند (پوپ، ۱۳۷۸، ص. ۴۶).

شاخصه های این نسخه، برگرفته از عناصر ایرانی، بیزانسی و چینی است که می توان به عناصری همچون کادر افقی نقاشی چینی، نوع خطوط نقاشی بیزانس متأخر، رنگهای محدود و ملایم، چهره هایی با استخوان بندی چهره نژاد زرد، ترکیب بندی های مقاوم و استوار و عناصر دیگر اشاره نمود (کنبای، ۱۳۸۹، ص. ۳۲). در نگاره های جامع التواریخ، آسمان رنگ نشده، کوه ها یا تپه ها با خطوط سبز پرگونه که اشاره به علف های بزرگ پهن دارد طراحی شده اند. علاوه بر رنگ گرم خامه ای صفحه، نگارگران به فراوانی برای زینت و برجسته کردن تزئینات چهره ها و پارچه ها و مناظر از نقره استفاده کرده اند (صداقت-خورشیدی، ۱۳۸۰). کاربرد رنگ نقره ای برای نشان دادن محاسن مردان، برای چین لباس و همچنین آب رودخانه و دریا...، تحت تأثیر نمونه های (کلیسای مسیحی شرقی) است (رهنورد، ۱۳۸۶، ص. ۲۱).

تجلی مذاهب ابراهیمی در نگاره های نسخه جامع التواریخ رشیدی:

حذف مسلمانان از قدرت سیاسی و روی کار آمدن دولتی غیر مسلمان، زمینه ی رونق سایر ادیان، مانند مسیحیت، بودا و یهود را، هر چند برای مدتی کوتاه، فراهم نمود. برخی از پژوهشگران این

شرایط را که منجر به رونق ادیان، بخصوص مسیحیت، در سرزمینهای اسلامی از جمله ایران شد، ناشی از تسامح مذهبی مغولان دانسته و آن را ستوده اند. شیوه و روش غیر متعصبانه ای که مغولان و حکومت ایلخانی در خصوص مسائل مذهبی اتخاذ کردند، بتدریج در سرتاسر سرزمین بسط یافته و مقدمه دگرگونی در گرایشات و تمایلات مذهبی ایرانیان را در سده های بعدی را فراهم ساخته است (مرتضوی، ۱۳۷۰، ص. ۶۹). می توان گفت، قرار گرفتن قدرت سیاسی در دست عناصر مغولی و ایلخانی، در اوضاع دینی و مذهبی تحولات عمیقی به دنبال داشت. در دوره ایلخانی، با وجود کثرت تعداد مسلمانان در جامعه ایرانی، و همچنین علی رغم افزونی تردید ناپذیر آنها نسبت به سایر ادیان و اقلیت ها، آیین بودا در میان مغولان چنان رواج یافت که حتی آیین شمنیزم، دین آباء و اجدادی آنها، را تحت الشعاع قرار داده و مسیحیت و یهودیان نیز نفوذ فراوانی را به دست آوردند (اشپولر، ۱۳۸۵، ص. ۶۵). همچنین در غیاب سلطه و محرومیت سنیها از قدرت سیاسی، شیعیان فرصت را مغتنم شمرده و از تغییرات حاصل از تحولات سیاسی و مذهبی، منتفع گردیدند (ترابی فارسانی، بهادری، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۳).

۱- دین اسلام در عصر ایلخانی و نگاره های مرتبط با آن در جامع التواریخ رشیدی:

مغولان به اکثر سرزمینهای اسلامی حمله کردند. برتری حاکمان مغول در سرزمین و قلمرو اسلامی نه با مبانی نظری حکومت اسلامی هم خوان بود و نه با احکام فقهی و نوع زندگی مسلمانان سازگار به نظر می رسید. نامسلمانی و بیگانگی مغولان که با نوعی از بی اعتنائی آنان به رفتار و احوال ساکنین قلمرو اسلامی همراه بود، قوم غالب، مدنیت و فرهنگی غیر قابل مقایسه با شهرنشینی مسلمانان داشتند، و این ویژگی آنان باعث تحمل ناپذیر شدن سلطه و حکومت مغولان می شد. مدارا و تساهل اعتقادی مغولان تا حدودی از تحمل ناپذیری چیرگی آنان می کاست. چراکه زمینه را برای تعامل با آنان در سرزمینهای دین محور اسلامی فراهم می کرد و شرایط لازم را برای اصلاح رفتارهای غیرمدنی آنان و همچنین آشنایی با دین قوم مغلوب را فراهم می آورد (رضوی، ۱۳۹۲، ص. ۳۸). اوضاع اقتصادی و سیاسی نو ظهور در ایران عصر ایلخانان، مسلمان بودن اکثریت جامعه قلمرو آنان و ویژگیهای مدنی اسلامی، زمینه های پذیرش کارآمدی مسلمانان را در ضمیر ایلخانان فراهم آورد و در اسلام پذیری اولیه آنان، سهم بسزایی داشت. ناکارآمدی رویکرد اشراف مغول در اقتصاد و سیاست، بی فرجامی فتوحات و عدم سود آوری و هزینه آور بودن جنگها، جنگ و درگیری مداوم ایلخانان در

مرزهای شمالی، غربی و شرقی که موجودیت آنان را آسیب پذیر می کرد، بیگانه بودن مغولان نزد جامعه ایرانیان مسلمان و همچنین آشنایی با عنصرهای فرهنگی و تمدنی ایران، آنان را به اسلام پذیری هدایت می نمود. از این رو، مغولان با پذیرش دین رعایای خود، برای بقاء حکومتشان و به دست آوردن مشروعیت برای آن، با مسلمانان هم گرا شدند. این همگرایی در ابتدا ماهیتی سیاسی داشت، اما بعدها ماهیت اعتقادی بیشتری یافت. چنانکه در دهه های پایانی حکومت مغولان، شرایطی پذیرفتنی در جامعه اسلامی پدیدار گشت و بعضی از مورخان، تنها در زمان کوتاهی پس از نابودی حکومت آنان، از دوران حکومت ایلخانان به نام «عصر خیر و نیکی» یاد کردند (رضوی، ۱۳۹۲، ص. ۴۸). تا قبل از سده هشتم هجری، نگارگری و تصویر سازی مذهبی در میان مسلمانان جایگاهی نداشته و ایرانیان مسلمان از هر نوع تجسم و تصویر سازی موضوعات دینی اکراه داشتند. اما فرمانروایان مغول بدون توجه به احکام شرع اسلامی، دستور کتابت و نگارش آثار الباقیه و جامع التواریخ، را همراه با نگاره هایی با مضامین تاریخی - دینی دادند. مغولان به دلیل تثبیت حاکمیت خود، به فکر استیلای فکری و عقیدتی بر جهان اسلام و بخصوص ایرانیان افتادند و به نگارش تاریخ و آفرینش آثاری که آنان را از یک طرف به مقدسین اسلامی و از طرف دیگر به پادشاهان باستانی ایران وفادار نشان می داد، پرداختند. از این رو نمونه های مصور شاهنامه و زندگی حضرت محمد (ص) ظهور یافت (محمدزاده، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۹). از طرف دیگر به دلیل در معرض هجوم قرار گرفتن دین اسلام توسط هنرمندان بیگانه که نقاشی را محلی برای تبلیغ ادیان مسیحی، یهودی و بودایی می دیدند، نقاشان مسلمان بر آن شدند تا در آثار خود به موضوعات اسلامی بپردازند (شایسته فر و عبدالکریمی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹).



تصویر ۱: میلاد پیامبر (ص)، نسخه دانشگاه ادینبرو تصویر ۲: نزول وحی بر پیامبر (ص)، نسخه پیشین، دانشگاه ادینبرو



تصویر ۳: پیامبر و ابوبکر در راه هجرت، نسخه پیشین، دانشگاه ادینبرو تصویر ۴: مأموریت حضرت علی و حمزه در جنگ بدر از سوی پیامبر، نسخه مجموعه ناصر خلیلی لندن (آژند، ۱۳۸۹).

۲- دین مسیحیت در عصر ایلخانی و نگاره های مرتبط با آن در جامع التواریخ

رشیدی:

مسیحیت در دوره حکومت ایلخانان در ایران از شرایط مطلوبی برخوردار بود. زندگی اجتماعی و فردی مسیحیان در دوره ایلخانی بخصوص در عهد نامسلمانی ایشان به اندازه کافی از پشتوانه حاکمیت مغولان برخوردار بوده است و در تمام تاریخ حیات خود در ایران دوره بی نظیری را تجربه کرد. خط مشی مذهبی ایلخانان همواره تابعی از استراتژی سیاسی مغولان به خصوص سیاست خارجی بوده و لزوم یادگیری در مواجهه با دشمن شکست ناپذیر خارجی آنها یعنی ممالیک مصر، باعث شد تا آنها در روی آوری به غرب مسیحی، تساهل و تسامح بیشتری نسبت به مسیحیان داخل ایران روا داشته و مسیحیان در ترویج و تبلیغ آداب و آیین خود، احداث کلیسا، حضور در دربار و ارکان قدرت و ثروت آزادی و اختیار بیشتری داشته باشند. سیاست خارجی ایلخانان یک عامل حداکثری در جلب و جذب مسیحیان داخل و رشد تشکیلات کلیسایی و رونق ترویج آیین مسیح در این عصر بود. پرنسس ها و خاتون ها که به آیین مسیحی بودند رنگ و روح اعتقاد خود را در تربیت ولیعهد و تاثیر گذاری ایلخانان تبلور بخشیدند و کارگزاران و مشاوران برحسب انتفاع یا اعتقاد خود در تشدید و تعمیق این باورمندی ها اثر گذار بودند. در نتیجه مسیحیان و مسیحیت به پشتوانه حمایت حاکمیت، دوره طلایی حضور خود در ایران را در عهد ایلخانان نا مسلمان تجربه کرد (بوشاسب گوشه و بهادری، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

هلاکو اولین ایلخان مغول با آنکه با آیین شمنی پرورش یافته بود ولی باور بودایی داشت و از این رو برای بودا بتخانه هایی در ایران برپا کرده بود. پس از استقرار هلاکو در مراغه، غرب ایران بخصوص آذربایجان شاهد نفوذ بوداییان بود. در مدت زمان بسیار کوتاه مشاوران، کارگزاران، راهبان بودایی از تبت، هند و چین به ایران سرازیر شدند. در مرغ، خوی و سایر شهرهای آذربایجان بتخانه های با شکوه و بزرگی برپا گردید که در آنها مجسمه هایی زرین، سیمین و سنگ مرمر از بودا برافراشته شده بود (فضل الله همدانی، ۱۳۷۳، ص. ۷۴). در هر حال در درون حرمسرا به جز از آیین بودا، مسیحیت نیز طرفدارانی داشت. همسر هولاکو دوقوز خاتون مسیحی بود. این زن که ابتدا همسر تولوی پدر هلاکو بود پس از مرگ تولوی به پسرش هلاکو رسید. علاوه بر او سیور قوقتینی بیگی، مادر هلاکو هم مسیحی بود و این دو تن در حفظ حرمت و موقعیت مسیحیان نقش به سزایی ایفا می کردند (ابن عبدی، ۱۳۶۴، ص. ۳۲۳). دوقوز خاتون به ساخت کلیسا اهتمام ویژه داشت و در زمان اقامتش در مراغه جهت رواج مسیحیت تلاش بسیاری کرد. تمایل حرم مغولان به مسیحیت باعث شد که ارتباط نزدیکی میان هلاکو و حاکمان مسیحی برقرار شود تا به آجا که در حمله هلاکو به حلب، بوهوموند ششم فرمانده لشکر مسیحی بیزانس و هایتوم پادشاه ارمنستان به یاری و کمک وی برخاستند (همدانی، ۱۳۷۹، ص. ۷۴۰). بر خلاف حمایت های بسیار هلاکو از مسیحیت در برابر اسلام وی تا پایان عمر بر آیین بودا باقی ماند و در زمان مرگ بنا بر آیین مغول بودایی در دخمه ای در مراغه با جواهرات فراوان مدفون گردید. پس از مرگ هلاکو همسرش نیز در گذشت اما تربیت مسیحی فرزندش موجب شد که آبا آقا جانشین هلاکو، با توجه به باور آیین بودا به مسیحیت ابراز علاقه کند. البته در این دوره روابط سیاسی با دنیای مسیحیت بر سیاست های مغولان سایه افکنده بود (کریمی و صمدی وند، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۲).



تصویر ۵: بشارت ولادت حضرت مسیح، نسخه دانشگاه ادینبرو. تصویر ۶: داستان اصحاب کهف، نسخه پیشین دانشگاه ادینبرو. (آژند، ۱۳۸۹).

۳- دین یهود در عصر ایلخانی و نگاره های مرتبط با آن در جامع التواریخ رشیدی:

حضور قبیله های یهودی در ایران قابل تردید نیست. همواره حضور یهودیان به عنوان صنعتگر، تاجر و طبیب در شهرهای نهادند، همدان، شیراز، نیشابور و اصفهان مسلم بوده است (ابن عربی، ۱۳۶۴، ص. ۳۱۱). از زمان استقرار حکومت ایلخانی در ایران، یهودیان به عنوان یک اقلیت مذهبی و قومی به همواره دنبال جایگاه خاص و ویژه بوده اند. دلیل اصلی این امر کوشش ایلخانان جهت انهدام اسلام در ایران و سایر کشورهای همسایه بود، چرا که در این صورت ایلخانان موفق می شدند خطراتی که می توانست بعدها آنها را مورد تهدید قرار دهد را از بین ببرند، آنان در وهله اول، در عدم خلافت اسلامی بغداد و استحکامات فدائیان اسماعیلی از مسیحیان بهره جستند و در وهله دوم از یهودیان و بوداییان در سازماندهی امپراطوری خود بهره جستند و تکیه بر اقلیت های مذهبی و نژادی در این دوران اهمیت ویژه یافت (مرادی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۲). از جمله افرادی که نقش عمده ای در عصر ایلخانان ایفا کرد سعد الدوله یهودی از اهالی ابهر بود. نام عبری او مردخای ابن الحریبه بود. او پس از قتل جوینی به مقام وزارت رسید. گفتنی است با همدستی جمعی از پزشکان یهود دربار ارغون وزارت او صورت گرفت. سعدالدوله تمامی مشاغل مهم دولتی را به خویشاوندان خود سپرد و از این طریق توانست یهودیان فراوانی را وارد دستگاه امپراطوری ایلخانی کند. افراد زیادی که سعدالدوله انتخاب کرد ولایات متعددی را در تصرف خود گرفتند از جمله: فارس، بغداد، دیار بکر، تبریز و نواحی دیگر آذربایجان. او به صورت رسمی دخالت مسلمانان ایرانی را در مناصب عالی و امور مملکت ممنوع اعلام کرد و تا به آنجا پیش رفت که مانع رفت و آمد مسلمانان در اردو می شد (خواندمیر، ۱۳۵۳، ص. ۳۰۲). منابع متفاوت فارسی نقل می کنند که سعدالدوله به همراه ارغون زمینه را برای تخریب کعبه و خلق پیامبر جدید از مغولان آماده می کردند. خواندمیر در این باره می نویسد: «سعدالدوله به ارغون قرار گذاشت که کعبه را بتکده سازد و مردم را بر پرستش بتان الزام کند و بدین اندیشه برای یهودیان عرب نامه نوشت و از آنها در مورد فرستادن سپاه مغول به آن دیار استفسار کرد و برای این منظور فرمود تا در بغداد سفینه ها بسازند و چوب و تخت آنها را از باغ یتیمان و یا خانه خلق خلفا آوردند» (همان). در واقع سعدالدوله با توجه به اقداماتی که انجام داده بود برای خود دشمنانی را در میان اقشار مختلف جامعه بوجود آورده بود که بلافاصله پس از از مرگ ارغون، سران مغول اقدام به

دستگیری او کرده و او را به قتل رساندند. همچنین محله یهودیان و خانه های مسلمانانی که در همسایگی آنان بود توسط مغولان غارت شد و تعدادی ای از بزرگان یهود به قتل رسیدند (مرادی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۳).

در میان یهودیان به شاعرانی در این دوره بر می خوریم که از خود اشعاری به زبان فارسی به یادگار گذاشتند. همچنین معروف ترین و بزرگترین وزیر عصر ایلخانی یعنی رشیدالدین فضل الله همدانی را نیز یهودی می دانند و مخالفانش همواره او را به عنوان رشید الدوله یاد کرده اند. اگر چه همه منابع در اصل یهودی او شکی ندارند ولی غالب آنان بر اسلام آوردن وی تصریح دارند. یهودیان همواره تلاش های زیاد و گسترده ای را جهت ترغیب مغولان به تغییر مذهب ایرانیان داشته اند و شواهد تاریخی بیانگر همراهی اقشار زیادی از مغولان با بعضی یهودیان است اما درخت استوار فرهنگ ایرانی برگرفته شده از اسلام با این بادها گزندگی نیافت و برعکس هوشیاری و حساسیتی را در تاریخ ایران پدید آورد که بلافاصله شاهد رشد جریان های اسلام گرا در تاریخ ایران هستیم (مرادی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۳).



تصویر ۷: فراز آمدن فرشتگان الهی بر حضرت ابراهیم، نسخه پیشین تصویر ۸: غرق شدن سپاه فرعون در دریا



تصویر ۹: دعوت داود نبی به حکومت بنی اسرائیل تصویر ۱۰: مرگ موسی، نسخه مجموعه ناصر خلیلی، لندن.



تصویر ۱۱: داستان ارمیای نبی، نسخه دانشگاه ادینبرو (اژند، ۱۳۸۹).

شرح تصاویر و جمع بندی:

همانگونه که گفته شد مذاهب ابراهیمی از جمله مذاهبی هستند که همواره در زمان ایلخانان مورد توجه قرار گرفته و به شدت رواج داشته است. در برهه های مختلف عصر ایلخانی شاهد حضور حکما و وزرایی هستیم که هر یک پیرو دین و یا آیینی خاص بوده اند. تجلی این امر در تصاویر مذهبی جامع التواریخ که به شرح زندگی پیامبران و اولیا و پهلوانان مذهبی می پردازد، نمایان است. اکثر نگاره های جامع التواریخ بر اساس روایات و داستان های مذهبی و تاریخی مصور گشته است و از این رو بیشتر تصاویر در ارتباط با ادیان مختلف حاضر در عصر ایلخانی قرار می گیرند. در این تصاویر شاهد المانهای چینی، بیزانسی و ایرانی در کنار یکدیگر به منظور خلق اثری بدیع هستیم. المانهای چون کادر افقی کشیده که یاد آور طومارهای چینی (تصویر ۱ و ۲ و ۴ و ۷) است، پرداز صخره ها با حرکت آزاد قلم، البسه و آستین های بلند (تصویر ۷) و استفاده از رنگهای ملایم و تحت (تصویر ۳ و ۶ و ۹)، درختان پر پیچ و خم (تصویر ۱۱) و تکنیک آب مرکب، چهره های مغولی، تاثیر مستقیم نگارگری چین را مشاهده می کنیم. از سوی دیگر نیز حالات عاطفی افراد (تصویر ۱ و ۶)، خطوط خشک و ضخیم در چین لباسها و کوه ها (تصویر ۸ و ۴ و ۵)، قلم گیری پرده ها (تصاویر ۷ و ۱)، حالات عاطفی چهره (تصویر ۸) از جمله مشخصه های شمایل نگاری بیزانسی به حساب می آید. اصولا در نگاره های مسیحی و یهودی از شدت عناصر چینی کاسته می شود (تصاویر ۵ و ۱۱) و به ویژگی های ایرانی و بیزانسی تصاویر افزوده می گردد (تصاویر ۷ و ۱۱)، نگاره ها کاملا وامدار سنت های شمایل نگاری بیزانس هستند و نگارگر کاملا بر اساس شیوه بیزانسی و مطابق با اسلوب کلیسای شرقی به تصویر سازی روایت پرداخته است. همچنین چسبندگی پیکره ها در کادر (تصاویر ۲ و ۴ و ۸)، البسه و

چهره ایرانی در برخی نگاره ها (تصویر ۲، چهره پیامبر و تصویر ۳)، هاله دور سر (تصویر ۸)، ترکیب بندی های متقارن (تصویر ۳)، پرداز درختان ظریف و شکننده (تصویر ۹)، شیوه بازنمایی طبیعت، استفاده از فضای مثبت و منفی و تقسیم بندی فضا به بخش بیرونی و درونی (تصویر ۷)، پوشش سر زنان و بال فرشتگان (تصویر ۲ و ۱) فضای معماری به ویژه گنبد، طاق های قوسی و شیوه آجر چینی (تصویر ۱۱) و تزیین ستون مرکزی (تصویر ۱ و ۹)، کادر غیر طوماری (تصویر ۱ و ۶)، قرینگی تصاویر (تصاویر ۱ و ۳ و ۷) از جمله عناصر نگارگری ایرانی است که در اکثر نگاره ها با آن مواجه می شویم، این سبک در ادوار بعدی تکامل می یابد و به عناصر منحصر به فرد نگارگری ایرانی - اسلامی تبدیل می گردد. همچنین وجود نقوش اسلیمی و گل و برگ ها (تصویر ۷ و ۹) بر روی اکثر ابنیه ها و ستون های مصور شده بیانگر توجه هر چه بیشتر به عناصر ایرانی در این نگاره هاست. گفتنی است در داستان های جامع التواریخ از روایات کتب آسمان دیگر به جز قرآن نیز استفاده شده است و شرح روایت از هر منبع، بر چگونگی تصویر سازی آن داستان موثر بوده است. به همین دلیل در مصور سازی تصاویر مرتبط با هر دین به کتب آسمانی آن دین توجه گردیده است و تصاویر بر اساس روایات ذکر شده در آنها مصور شده اند. در کل می توان گفت در تصاویر مورد بررسی، عناصر چینی - بودایی حضوری کم رنگ داشته و بیشتر از عناصر ایرانی - اسلامی و بیزانسی استفاده شده است. این نوع گزینش سبکی شاید به دلیل دروی گزینی حکما و حامیان نسخه مذکور و به تبع آن نگارگران، از آیین بودایی - چینی و مغولی در اواخر عصر ایلخانی باشد. در مجموع در هنر نگارگری عصر ایلخانی به دلیل تسامح مذهبی و فرهنگی ایلخانان، شاهد همزیستی مسالمت آمیز و تلفیق مناسب عناصر چینی، بیزانسی و ایرانی در کنار یکدیگر هستیم.

نتیجه:

با حکومت ایلخانان، قدرت سیاسی ایران در دست مغولان قرار گرفت و تحولات ژرفی را در ابعاد اجتماعی و اعتقادی ایرانیان بر جا گذاشت، رویکرد مغولان به دین و مقولات مرتبط با آن در مقایسه با دیگر دوره های تاریخ ایران پس از اسلام کاملا متفاوت بود. این رویکرد بر اساس تساهل مذهبی و دینی در عصر مغولان ظهور می یابد اما در سر تا سر حکومت ایلخانان و دربار همه پادشاهان به شکلی یکسان اجرا نمی شد. همچنین این رویکرد در مورد همه ادیان نیز به شکلی یکسان، لحاظ نشده و برخی ادیان از توجه بیشتری برخوردار می گردند. در کل می توان گفت اصولا حکمای

ایلخانی بر اساس مقتضیات سیاسی و اجتماعی سعی بر عدم مداخله در امور مرتبط با دین و مذهب داشته اند و نوعی تساهل و تسامح دینی در این عصر برقرار می شود. این تساهل دینی تاثیر خود را بر روی اکثر هنرهای مرتبط با دربار مغولان نشان می دهد. یکی از آثار که به خوبی توانسته بازگو کننده تساهل دینی عصر ایلخانی باشد، جامع التواریخ رشید الدین فضل الله همدانی است. همانگونه که قبلا نیز گفته شد: رشیدالدین در ربع رشیدی، مرکز آموزشی و پژوهشی ممتازی به وجود آورد که از علوم چینی، هندی و رومی بیزانسی در آن تدریس می شد. این تدریس به زبانهای چینی، یونانی، مغولی، ترکی، فارسی و عربی صورت می گرفت. همچنین در مورد کتابت آثار هنری در ربع رشیدی و بخصوص کتابت جامع التواریخ گفته شد، هیچ نوع تحمیلی بر توانمندیهای نقاشان صورت نمی گرفت و نقاشان با اجرایی آزادانه مضامینی از تاریخ مذهبی اسلام، اتفاقات انجیل، زندگانی بودا، تاریخ چین، و... را وارد نگاره ها می کرده اند. از این رو شاهد حضور نگاره هایی با مضامینی از ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت، یهودیت) در نسخه خطی جامع التواریخ عصر ایلخانی بودیم که در هر نگاره نیز به خوبی تلفیق و همنشینی سبکهای نقاشی چین، بیزانس و ایران قابل مشاهده است.

منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۹). نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)، (جلد اول)، تهران: سمت.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۶۵). تاریخ مغول در ایران، ترجمه ی محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۱). دین و دولت در ایران عصر مغول، (جلد ۳)، تهران: نشر دانشگاهی.
- بوشاسب گوشه، فیض اله و بهادری، علی (۱۳۹۲). مسیحیت و مسیحیان در روزگار نامسلمانی ایلخانان مغول در ایران، پژوهشنامه تاریخ، ۳۰، ۲۷-۵۲.
- پاکباز، رو بین (۱۳۸۵). نقاشی ایران از دیر باز تا امروز، تهران: زرین وسیمین.
- پوپ، آرتور (۱۳۷۸). سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- تجویدی، اکبر (۱۳۸۶). نگاهی به هنر ایران از آغاز تا سده دهم هجری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ترابی فارسانی، سهیلا و بهادری، علی (۱۳۹۰). خط مشی مذهبی مغولان و ایلخانان در ایران. فصل نامه علمی و پژوهشی مسکویه، ش ۱۸.

خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۵۳). تاریخ حبیب السیر. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام. حافظ ابرو، شهاب الدین (۱۳۱۷). ذیل جامع التواریخ رشیدی. به کوشش خان بابا بیانی. تهران: شرکت تضامنی علمی.

دیباچ، اسماعیل (۱۳۴۶). آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان. تهران: شورای مرکزی. رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۲). مسلمانی خوانین مغول بر پایه زمینهای اسلام پذیری ایلخانان. پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۱۱، ۷۳-۴۷.

رهنورد، زهرا (۱۳۸۶). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی نگارگری، تهران: سمت. زرباب خوبی، عباس (۱۳۵۰). سه نکته درباره رشید الدین فضل الله. مجموعه خطابه های تحقیقی درباره خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی. تهران: دانشگاه تهران.

سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۷۲). مطلع السعدین و مجمع البحرین. به کوشش عبدالحسین نوایی.

سود آور، ابوالعلاء (۱۳۸۰). هنر دربارهای ایران. ترجمه: ناهید محمد شمیرانی، تهران: کارنگ. شایسته فر، مهناز و عبدالکریمی شهین (۱۳۹۵). عناصر بصری رویدادهای زندگی پیامبر اسلام (ص) در نگاره های جامع التواریخ. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۲۵، ۵۱-۳۷.

غریغوریوس بن هارون ابن عبدی، (۱۳۶۴). تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی، تهران: اطلاعات.

کارجو اجیرلو، بهرام و مجمد نژاد چاوشی، حبیب (۱۳۹۹). بررسی انگیزه های تجدد علمی در دوره ایلخانان. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲، ۳۵۳-۳۷۰.

کاشانی، ابوالقاسم (۱۳۴۸). تاریخ اولجایتو. به اهتمام میهن همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. کریمی، علیرضا، صمدی وند، منوچهر (۱۳۹۱). سیاست مذهبی حکومت ایلخانی؛ تسامح یا آشفستگی مذهبی؟ فصلنامه تاریخ اسلام، ۴، ۱۵۳-۱۲۳.

کنبای، شیلا (۱۳۸۹). نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی. گودرزی (دیباچ)، مرتضی (۱۳۸۴). تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا عصر حاضر، تهران: سمت.

مرادی، مسعود (۱۳۸۰)، بودائیان و یهودیان در ایران عصر ایلخانی، نشریه علوم انسانی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، ۱۵، ۲۶۷-۲۵۴.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰). مسایل عصر ایلخانان، (ج ۲)، تبریز: آگاه.

معتقدی، کیانوش (۱۳۹۳). جلوهای از هنر کتا بآرایی، آستان هنر، ۱۰، ۴۴-۳۶.

مستوفی، حمدالله (۱۳۳۶). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.

منشی کرمانی، ناصرالدین (بی تا). نسائم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ وزراء. به کوشش میر جلال الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران.

همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۷۹). مکاتبات رشیدی. گردآوری محمد ابرقومی. به کوشش محمد شفیع. تهران: امیرکبیر.

همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۵۰). وقف نامه ربع رشیدی. به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی. تهران: آثار ملی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی